

## تأثیر نقوش سفال‌های شهر سوخته بر سوزن‌دوزی بلوچ

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸

کد مقاله: ۲۱۷۲۶

زهرا رحمانی<sup>۱</sup>

### چکیده

سفال بعنوان یکی از مهمترین مواد فرهنگی کلیدی در هر محوطه باستانی به وفور در شهر سوخته وجود دارد تا جائیکه در برخی نقاط آن خاک را به زحمت می‌توان دید و بدون پای گذاشتن بر روی سفال امکان راه رفتن وجود ندارد. وفور سفال نشانی است بر اهمیت و کاربرد این داده فرهنگی. به همین دلیل موضوع سفال و مطالعات آن از اهمیت خاصی برخوردار است. از سوی دیگر سوزن‌دوزی نیز از هنرهای اصیل و پراهمیت سیستان و بلوچستان به حساب می‌آید، از این رو تصمیم گرفتیم که تأثیر نقوش سفال‌های شهر سوخته بر سوزن‌دوزی بلوچ را به روش توصیفی-تحلیلی که با رویکرد شناسایی ویژگی‌ها و توصیف ساختار نقوش سوزن‌دوزی و تحلیل نقش‌مایه‌های سفالینه‌های شهر سوخته انجام می‌شود مورد بررسی قرار دهیم. در پژوهش حاضر نقوش سوزن‌دوزی به دلیل گستردگی طرح همچنین برای سهولت مطالعه، براساس نقوش ساده و ترکیبی دسته‌بندی شده است. ضمن اینکه با گزینش داده‌ها از میان نمونه‌های مشابه، نقوش سوزن‌دوزی بلوچ با نقوش سفالینه‌های شهر سوخته بررسی و تطبیق داده شده است. در این میان نظر به ساختار، خاستگاه و منبع الهام نقوش، معانی در خور توجه آن‌ها نیز بررسی شد و این مسئله مطرح شد که نقوش سفالینه‌های شهر سوخته چه تأثیری در سوزن‌دوزی بلوچ داشته است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: با توجه به نقوش به کار رفته در هنر سوزن‌دوزی که ریشه در فرهنگ بومی و الهام از طبیعت منطقه بلوچستان دارد؛ این نقوش از نقوش سفالینه‌های شهر سوخته نشأت گرفته‌اند. همچنین بین نقوش روی سفالینه‌های شهر سوخته با فرم و شکل ظاهری سوزن‌دوزی بلوچ ارتباط بصری وجود دارد. به عبارت دیگر بسیاری از نقوش سنتی سوزن‌دوزی بلوچ به جهت برخورداری از طرح‌های اصیل و رنگ‌آمیزی بدیع و سنتی و کیفیت فنی مطلوب و اصالت ویژه‌اش، از نقوش سفالینه‌های شهر سوخته نشأت گرفته است.

واژگان کلیدی: فرم و نقوش، سفال‌های شهر سوخته، سوزن‌دوزی بلوچ

سفالگری در ایران از هزاران سال پیش وجود داشته و همچنان در نقاط مختلف این سرزمین رواج دارد. سفال را می‌توان یکی از بهترین منابع دسترسی پژوهشگران به اطلاعات در رابطه با پیشینیان و نوع زندگی، عقاید و باورها، آداب و رسوم جوامع ابتدایی و متمدن تاریخی و همچنین اندیشه‌ها و نیز زبان و فرهنگ و خط نوشتاری آنان دانست. سفالینه‌های کشف شده در بلوچستان را می‌توان جزو قدیمی‌ترین آثار سفالین کشف شده در ایران دانست. سفالگری و تولید سفال در این منطقه به همان روش‌های قدیمی و با فرمها و نقوش قدیمی در مناطقی از بلوچستان همچون کلپورگان، کوهمیتگ، هلونچکان و پنوچ هنوز رواج دارد. بلوچستان از گذشته‌های دور یکی مناطق تولید سفالهای سنتی در ایران بوده و هست. از سوی دیگر، می‌توان تأثیر نقوش سفالها را در صنایع دستی دیگر این منطقه نیز مشاهده کرد. از اینرو، تأثیرپذیری و رابطه هنرهای گوناگون یک سرزمین، می‌تواند موضوع ارزشمندی برای تحقیقات پژوهشگران باشد. در این تحقیق برای دستیابی به نتایج بهتر، در مطالعه تأثیر نقوش و فرم سفالهای شهر سوخته در نقوش سوزن‌دوزی بلوچ، نقوش سفالینه‌های شهر سوخته در قالب اشکال هندسی با الهام‌گیری از پدیده‌های طبیعی، باورها و اعتقادات قوم بلوچ نمود پیدا می‌کند. نقوش ساده سفالینه شهر سوخته شامل: تَکوک، گیلو، چُتل، کُبل، سَرگ، کونُرک، گَله، هوشک، سَرزیه، تَکوکِ گردین و گیلوی گردین است. نقوش ترکیبی سفال نیز شامل: چَتل، کونُرک گَله هوشک و بالوک است که با اسامی خاص منطقه بلوچستان از آنها نام برده می‌شود. همچنین اکثر نقوش سفالینه‌های شهر سوخته بر مبنای واحدهای هندسی دایره، مربع، مثلث، لوزی، خط و ترکیب این واحدهای هندسی نقوش را ناشی از ذهن خلاق هنرمند بلوچ دانست.

هنرمند بلوچ اگرچه در وهله نخست هنرش را برای رفع نیازهای زندگی خویش تولید می‌کند، اما از طریق نقوشی که بر روی دست ساخته‌هایش به کار می‌برد، افکار و آرزوهای خویش را انعکاس می‌دهد که در ارتباط با واقعیات و زندگی او مطرح می‌شوند. بدین گونه عملاً فرصت یافته است در جایی مانند سفالینه‌های شهر سوخته با بهره‌گیری از نقوش هندسی که اساس زیباشناسی سفالینه‌های این منطقه را نیز تشکیل می‌دهد با طرح معنا برای نقوشی که به کار می‌گیرد، کاربردی فراتر از حیطه صرف تزئینی به نقوش خویش ببخشد. در همین راستا، هنرمندان بلوچ با پافشاری و تأکید بر اصالت نقش و فرم در سفالینه‌هایشان بر کارکرد هویتی هنرشان صحنه می‌گذارند. همچنین ویژگی‌های شاخص سوزن‌دوزی بلوچ و طرح‌های خاص آنها که شباهتهایی به طرح سفالهای این منطقه دارد ارتباط تنگاتنگ این دو هنر را در سرزمین بلوچستان نشان می‌دهد.

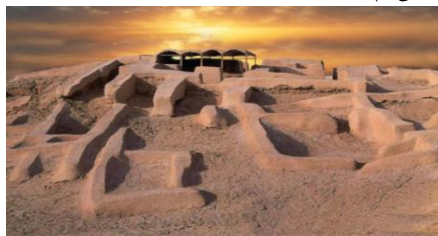
سوزن‌دوزی بلوچ که از بهترین نمونه‌های هنرهای صناعی است در واقع با اشکال هندسی، به آفرینش نقش‌هایی منجر می‌شود که از طبیعت بلوچستان الهام گرفته‌اند. در طرح‌های سوزن‌دوزی بلوچ که دارای اصالت است، بهره‌گیری متفاوت از فرم و رنگ در هر منطقه باعث شده است تا مناطق جنوبی بلوچستان از نقوش سوزن‌دوزی پرکارتر و رنگ‌های شاد و زنده برخوردار و مناطق شمالی و شرقی، نقوش ساده و رنگ‌های ملایم‌تری داشته باشد. افزون بر اینها تنوع گسترده‌ای بین نقوش، اشتراکات زیادی در فرم، ساختار و معنای میان نقوش سوزن‌دوزی مناطق مختلف بلوچستان وجود دارد که نشأت گرفته از فرهنگ و اعتقادات مشترک این قوم است و می‌توان در قالب هنر سوزن‌دوزی بلوچ از آنها نام برد. همچنین در معرفی نقوش سوزن‌دوزی بلوچ تقسیم‌بندی‌های مختلفی صورت گرفته است و دسته‌بندی نقوش در قالب طرح‌های تاری، چشم، حاشیه و گل که افرادی مانند ذبیح‌الله ناصح این‌گونه دسته‌بندی نقوش را تأیید می‌کنند (ناصر، ۱۳۴۴، ص ۶). در پژوهش حاضر نقوش سوزن‌دوزی به دلیل گستردگی طرح همچنین برای سهولت مطالعه، براساس نقوش ساده و ترکیبی دسته‌بندی شده است. ضمن اینکه با گزینش داده‌ها از میان نمونه‌های مشابه، نقوش سوزن‌دوزی بلوچ با نقوش سفالینه‌های شهر سوخته بررسی و تطبیق داده شده است. در این میان نظر به ساختار، خاستگاه و منبع الهام نقوش، معانی در خور توجه آنها نیز بررسی خواهد شد.

بر این اساس، در تحقیق پیشرو با توجه به پیشینه غنی این هنرها و وجود فرهنگ و اعتقادات مشترک میان مردم بلوچ این سوال مطرح می‌شود که چه ارتباطی میان نقوش سفالینه‌های شهر سوخته بعنوان بخشی از بافت فرهنگی سرزمین بلوچستان و نقوش سوزن‌دوزی بلوچ وجود دارد؟ در صورت ارتباط وجوه مشترک این دو هنر تنها در ارتباط با فرم یا ساختار مشترک مطرح می‌شود یا حوزه معنایی مشترکی نیز دارد؟

## ۲- شهر سوخته

محوطه باستانی شهر سوخته در ۵۶ کیلومتری زابل در استان سیستان و بلوچستان و در حاشیه جاده زابل زاهدان واقع شده و پنج هزار سال قدمت دارد. این شهر در ۲۲۲۲ سال قبل از میلاد پایه‌گذاری شده و مردم در چهار دوره بین سالهای ۳۲۰۰ تا ۱۸۰۰ قبل از میلاد در آن سکونت داشته‌اند. «این شهر ۱۵۱ هکتار وسعت دارد و حدود ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد پایه‌گذاری شده و حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد هم از بین رفته است. یعنی برای یک دوره حدود ۱۲۰۰ ساله زندگی در اینجا جریان داشته است.» (سیدسجادی، ۱۳۸۳، ص ۱۴). شهر سوخته را می‌توان یکی از جوامع شهرنشینی متقدم دانست که به لحاظ موقعیت زمین‌شناسی خاص و شرایط جغرافیایی و اقلیمی مناسب سریع رشد کرده و با جذب مهاجرینی چند از دیگر نقاط در حد فاصل شرق و غرب، ارتباط‌های تجاری و در نهایت ارتباط‌های فرهنگی و زیستی را در بین شهرهای هم عصر خود سبب شده است (تصویر ۱)

در هزاره سوم قبل از میلاد، ارتباط‌های تجاری و تبادل کالا به منظور رفع نیازهای فیما بین تنها از طریق راه‌های زمینی میسر بوده است، لذا شهر سوخته که در مسیر شرق و غرب به صورت شهری نوپا شکل گرفته بود، با سرعت هرچه بیشتر رشد کرده و جمعیت آن در اواسط این هزاره به رقم قابل توجهی رسیده و براساس شواهد از دیگر شهرهای پیرامون خود در روابط تجاری، صنعتی پیشی گرفته بود. مسلماً روابط تجاری، صنعتی با دیگر جوامع دور و نزدیک مقدمات روابط فرهنگی، اجتماعی، زیستی را برای شهر سوخته فراهم آورده و سبب رونق آن شده بود. آنچه مسلم است شکل گیری جمعیت و رشد آن در جوامع پیش از تاریخ مقدمات شهر نشینی را فراهم آورده است. «کاوش‌های باستان شناسی در این شهر نشان داده‌اند که مردم جامعه شهر سوخته با استفاده از موقعیت جغرافیایی شهر خود که اجازه تهیه منابع معدنی و طبیعی و کنترل تولید و توزیع آنها را در تمام سیستان و مناطق اطراف را می‌داده، این شهر را گسترش داده‌اند.» (سیدسجادی، ۱۳۸۵، ص ۹).



**تصویر ۱: شهر سوخته آرشیو موزه میراث فرهنگی گردشگری سیستان و بلوچستان**

از نظر زمین شناسی دشت سیستان عبارت از مجموعه دلتاهایی است که طی هزاران سال بر اثر تغییرات بستر و مسیر رود هیرمند به وجود آمده است. بدنه زمین و خاک نرم و سست و رسوبی بخش ایرانی سیستان، بیشتر از ته نشست‌های رودخانه هیرمند و بر اثر طغیان‌های آن به وجود آمده و جریان‌های طبیعی مانند باد و باران به راحتی آنها را جابه‌جا می‌کند. گودترین بخش سیستان، دریاچه هامون است که حدوداً ۱۰ متر عمق دارد و بلندترین آن کوه خواجه است که دارای ارتفاعی برابر ۶۰۹ متر از سطح دریاست (سیدسجادی، ۱۳۸۵، ص ۱۰).

شهر سوخته که در جنوب شهر زابل قرار دارد، دارای اقلیم خشک و گرم است (سلیقه و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸). میانگین بارش سالانه این منطقه ۶۱/۴ میلیمتر می‌باشد، بارش در اواخر پاییز در فصل زمستان و اوایل فروردین هرچند وقت یکبار، در مدت کوتاهی به صورت رگبارهای تند و سیل‌آسا دیده می‌شود و عوامل دیگری چون بادهای مختلف این منطقه از جمله بادهای ۱۲۰ روزه از عوامل تأثیرگذار بر میزان دما و رطوبت این منطقه می‌باشد. میانگین رطوبت نسبی هوا در این منطقه ۳۸ درصد، تبخیر و تعرق بالقوه بر اساس روش‌های مختلف محاسبه حدود ۴۱۹۶ میلیمتر است (نگارش و خسروی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۷) و در زابل بالاترین تبخیر ایران قابل مشاهده است؛ زیرا در قبال تقریباً ۶۲ میلیمتر بارش متوسط سالیانه در سنوات دیده بانی بیشتر از ۵۰۰۰ میلیمتر تبخیر نشان داده است که حدود ۳ متر تبخیر سالیانه مربوط به ۴ ماه از سال که بادهای ۱۲۰ روزه می‌وزند، اختصاص می‌یابد (خسروی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۹). در این منطقه شب‌های یخبندان کمتر از یک ماه می‌باشد. گرمای زیاد در منطقه به ویژه در تابستان مراکز کم فشاری را ایجاد می‌کند و با جابجایی توده‌های پر فشار (توده‌های شمالی) با مراکز کم فشار، بادهای شدیدی نظیر بادهای ۱۲۰ روزه به وجود می‌آورد. میانگین دمای سالانه ۲۱ درجه سانتیگراد، حداکثر دمای مطلق سالانه بیش از ۵۱ درجه سانتیگراد و گرم‌ترین ماه سال تیرماه و سردترین ماه‌های سال آذر و دی ماه است (زمردیان و پور کرمانی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۴).

سرهنگ چارلز ادوارد بیت اولین شخصی بود که در اواخر قرن ۱۹ میلادی از شهر سوخته دیدن کرد. سایکس بعد از بیت دومین شخصی بود که این محوطه را در طول اولین بخش از دومین دهه قرن بیستم میلادی مشاهده نمود. اطلاعات سایکس از نظر باستان شناختی هیچ اهمیتی نداشتند و قابل اطمینان نبودند (مرتضوی، ۲۰۰۴، ص ۴۳). اما اولین گام‌های علمی باستان‌شناسی در این منطقه توسط باستان‌شناس و جغرافیدان مجاری الاصل، سر ارل اشتاین<sup>۱</sup> برداشته شد. وی در طول سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ م، دشت سیستان را در نوردید و بسیاری از آثار باستانی این منطقه از جمله شهر سوخته را کشف و معرفی نمود (Stien, 1937). پس از آن در سال ۱۹۵۹م و متعاقب انعقاد قرارداد همکاری متقابل پژوهش‌های باستان‌شناسی در سیستان ایران، بین اداره کل باستان‌شناسی ایران و مؤسسه ایزمئو<sup>۲</sup> ایتالیا، جوزپه توچی<sup>۳</sup> که در آن وقت ریاست مؤسسه ایزمئو را بر عهده داشت راهی سیستان شد و در سال ۱۹۶۷ م عملیات کاوش در تپه‌های پیش از تاریخی شهر سوخته، با همکاری متقابل مرکز باستان شناسی ایران و مؤسسه ایزمئو ایتالیا و به سرپرستی یک باستان‌شناس ایتالیایی به نام ماریتسیو توزی<sup>۴</sup> آغاز گردید. نتایج مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناسانه این گروه که تا سال ۱۹۷۸ م در شهر سوخته ادامه داشت، در بیش از دهها مقاله و به زبانهای گوناگون و رایج دنیا چاپ و منتشر شده است (سید سجادی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۷). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که توقف تمام هیئت‌های باستان‌شناسی خارجی را به دنبال داشت، کار در سیستان نیز متوقف شد. اما در سال ۱۳۷۵ هیئتی از کارشناسان ایرانی به سرپرستی آقای سید منصور سید سجادی مأموریت یافتند تا با انجام بررسی‌های مقدماتی و گمانه‌زنی در دو محوطه شهر سوخته و کوه خواجه زمینه را بر ای انجام یک پژوهش گسترده باستان‌شناسی در سیستان فراهم نمایند. اجرای این طرح گسترده از سال ۱۳۷۶ به بعد با انجام کاوش‌های دقیق باستان شناختی در شهر سوخته و از سال ۱۳۷۹ به بعد هم زمان با شهر سوخته، در محوطه دهانه غلامان نیز

- 1 . Sir Aurel Stein
- 2 . ISMEO
- 3 . G.Tucci
- 4 . M. Tosi

آغاز شد و هم اکنون نیز با جدیت تمام دنبال می‌شود. در سالهای اخیر نیز غیر از کاوشهای هر ساله شهر سوخته چندین فعالیت عمده در باستان‌شناسی سیستان انجام گرفته است. که البته فقط به فعالیت‌های مرتبط با شهر سوخته و محوطه‌های هم جوار آن در این جا اشاره خواهد شد. کاوش‌های تپه طالب خان: از جمله دیگر فعالیت‌های باستان‌شناسی در سال‌های اخیر در سیستان است. تپه طالب خان یک محوطه پیش از تاریخی است که در نزدیکی شهر سوخته و در حاشیه سمت راست جاده زاهدان به زابل واقع شده است (سیدسجادی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴).

## ۱-۲- سفال شهر سوخته

یکی از موارد بسیار مهم و محسوس در بررسی‌ها در زمینه توسعه و پیشرفت فرهنگی شهر سوخته از طریق مطالعه سفال به دست می‌آید. دلیل این امر فراوانی این ماده در تمام مناطق حفاری شده و نیز وقت فراوانی است که صرف جمع‌آوری و طبقه‌بندی منظم و مطالعه آن می‌شود. خرابه‌های شهر سوخته را می‌توان به سه بخش مصطفی بزرگ مرکزی، تپه شمالی و تپه جنوبی تقسیم کرد. کاوش‌های انجام شده به دست باستان‌شناسان، تاکنون چهار دوره مشخص استقرار در شهر سوخته را نشان داده است که این چهار دوره، خود به یازده طبقه جداگانه از صفر تا ده تقسیم شده‌اند و هر کدام ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند. در ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد شهر سوخته در بخش شرقی مصطفی بزرگ مرکزی پایه‌گذاری شده و تا طبقه هفتم یعنی حدود ۴۰۰ سال در همین حدود قرار داشته است (سیدسجادی و فروزان فر، ۱۳۸۰، ص ۱۵۰).

از لحاظ رنگ و زمینه می‌توان سفال شهر سوخته را به قسمت‌های زیر تقسیم بندی کرد:

۱- سفال نخودی با نقوش سیاه رنگ

۲- سفال خاکستری با نقوش سیاه رنگ

۳- سفال قرمز با نقوش سیاه رنگ

۴- سفال چندرنگ

۵- سفال با نقوش کُنده یا برجسته (نگهبان، ۱۳۸۵، ص ۴۴۵).

تقریباً در کلیه ادوار شهر سوخته، سفال نخودی رنگ وجود دارد که شامل شکل‌های اصلی لیوان، خمره و کاسه می‌شود. کاسه‌های نخودی که به میزان زیاد از قبور شهر سوخته به دست آمده‌اند، عموماً به شکل نیم کره و اغلب بدون نقش و ساده‌اند، اما در مواردی نیز با نقوش هندسی دیده شده‌اند.

لیوان‌ها به ویژه لیوان‌های گلابی شکل (تصویر ۲) در کلیه ادوار، تقریباً به شکلی استاندارد دیده می‌شود که در دو دوره اول، اغلب منقوش بوده، اما از اواخر دوره سوم، ساده و بدون نقش هستند. کف لیوان‌های دوره دوم علامت «مهر سفالگری» نیز به چشم می‌خورد (سیدسجادی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳). نقوش سفال‌های نخودی از دوره اول تا چهارم دستخوش تغییراتی شده است؛ ترکیب‌های متنوع از «خطوط هندسی»، «مثلث‌های دنباله دار»، «مثلث‌های واژگون»، «خطوط پلکانی»، «نیم دایره‌ها» و «خطوط زنجیری» از نقوش رایج در این دوره به شمار می‌روند. نقش جانوری کمتر بر روی سفال‌ها دیده شده و در مجموع به «بز»، «پرونده»، «گوزن»، «آهو» و «ماهی» محدود است که در این میان نقش «بز» و «گوزن» متداول‌تر است (تصویر ۳ تا ۶) از دوره سوم به بعد نقش ماهی نیز روی ظروف ظاهر می‌گردد. این نقوش اغلب به رنگ قهوه‌ای روشن تا قهوه‌ای سوخته می‌باشند (توزی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۱).



تصویر ۲: لیوان سفالی نخودی منقوش (سید سجادی، ۱۳۸۶)



تصویر ۴: بشقاب با نقش ماهی (سیدسجادی، ۱۳۸۶)



تصویر ۳: نقش حیوانی (سیدسجادی، ۱۳۸۶)

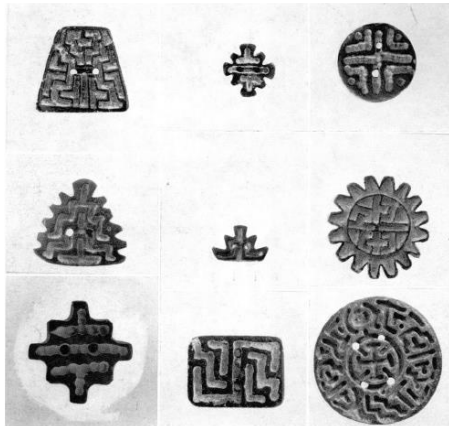


تصویر ۶: ظروف سفالی با نقوش گیاهی (سیدسجادی، ۱۳۸۶)



تصویر ۵: دو بشقاب با نقش ماهی (سیدسجادی، ۱۳۸۶)

سفال‌های خاکستری شهر سوخته نیز اغلب به شکل کاسه و پیاله‌های کوچک هستند، به استثنای چند مورد ظروف شیپوری شکل که از این محوطه به دست آمده است. در ظروف خاکستری شاهد نزدیکی بیشتر نقش‌ها با عناصر طبیعی هستیم که در داخل کاسه‌های خاکستری تصویر شده‌اند. تقریباً کلیه این ظروف دارای نقشی که شاید بتوان از آن به عنوان گردونه زندگی و چرخ و فلک تعبیر کرد، به همراه مزارع و دام‌ها، دریاچه، ماهی، برگ درختان و رودخانه‌ها هستند (توزی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳). گفتنی است سفال‌های خاکستری رنگ در لایه‌های دو تا چهار، سفال‌های سیاه روی زمینه خاکستری در لایه‌های چهار تا هفت و سفال قرمز روی زمینه خاکستری در لایه‌های هفت تا ده پدیدار می‌گردند که این گونه سفال‌ها با برخی از نمونه‌های پیدا شده از تپه‌های «حصار»، «بمپور» و محوطه‌های «دشت کویت» در پاکستان قابل مقایسه‌اند. همچنین سفال‌های چندرنگ شهر سوخته در لایه‌های نهم تا پنجم به چشم می‌خورند. علاوه بر ظروف سفالی، اشیای دیگری مانند مجسمه‌های گلی و تعداد زیادی مهرهای سفالی نیز از دیگر آثار شاخص سفالی در این منطقه است که با آثار مکشوفه از مناطق پاکستان، افغانستان و با تمدن‌های هند باستان و حتی تمدن‌های غرب فلات ایران نیز تشابهاتی دارد. از یکصد مهر پیدا شده در فصول اولیه کاوش در شهر سوخته، ۹۹ عدد آن مسطح و تنها یکی از آنها از نوع مهرهای استوانه‌ای بوده است که به احتمال قوی با دوره «جمدت نصر» همزمان است. این مهرها از مواد گوناگونی ساخته شده‌اند؛ یکی از مواد مورد استفاده در صنعت مهرسازی شهر سوخته، گل سفالگری بوده است که به شکل‌های هندسی متنوعی همچون ستاره، مستطیل، دایره و چند شکل دیگر بوده است (تصویر ۷).



تصویر ۷: نمونه مهرهای شهر سوخته (توزی، ۱۳۸۵)

لبه خارجی برخی از این مهرها دندانهای شکل و برخی دیگر دایره ای بوده است. قطر مهرها بین ۲ تا ۱۰ سانتی‌متر در تغییر است. بیشتر مهرهای شهر سوخته دارای طرح‌های هندسی ساده همچون شکل‌های «پلکانی»، «خطوط متقاطع» و مانند آن هستند، اما اثر مهرهای دیگری که دارای نقش مایه‌های «گیاهی» و «جانوری» با نقش «پرنده» هستند نیز در میان نمونه‌ها دیده می‌شود (سیدسجادی، ۱۳۹۰، ص ۴۰).

چنانچه گفته شد سفال‌های شهر سوخته را می‌توان به چهار گروه اصلی تقسیم کرد. این چهار گروه عبارتند از: سفال نخودی، خاکستری، قرمز و پلی کروم. ظروف نخودی در تمام ادوار شهر سوخته بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. به طور کلی مقدار این ظروف بین ۸۹٪ تا ۹۹٪ تمام ظروف سفالین این محوطه را تشکیل می‌دهد. این رقم با جمع آوری چندین گروه از نمونه‌های مختلف به دست آمده است. اما با این حال، این نوع سفال از نظر خمیره، میزان پخت، شکل ظروف و نوع تزئین دارای تفاوت‌هایی است.

### ۳- معرفی اجمالی هنر سوزن دوزی بلوچ

سوزن‌دوزی یکی از رودوزی‌های منحصر به فرد کشور به حساب می‌آید، هنری برخوردار از ظرافت دوخت و تنوع رنگ که بیانگر ذوق، سلیقه، سنت و هنر منطقه‌ی بلوچستان است. سوزن‌دوزی با زندگی روزمره‌ی زنان بلوچستان آمیخته است و هر دختری به موازات آموزش اصول زندگی، سوزن‌دوزی را نیز فرا می‌گیرد، با نقوشی هندسی (گل‌ها، بوته‌ها و ترکیب بدیع رنگ‌ها) که جهانی خیال‌انگیز را به نمایش می‌گذارد. تمامی زنان بلوچ، چه آنها که در ایران و در استان سیستان و بلوچستان زندگی می‌نمایند و چه آنها که در پاکستان، افغانستان و یا در دیگر نقاط دنیا سکنی گزیده‌اند، اعم از فقیر و غنی از سوزن‌دوزی برای تزئین لباس‌هایشان استفاده می‌نمایند. سوزن‌دوزی بلوچستان، هنری گرانبه است که از آنها به عنوان نور چشم زنان بلوچ یا سند هویت، موجودیت و پشتوانه‌ی زنان بلوچ نام برده می‌شود.

چنانکه در این فصل بیان خواهد شد، سوزن‌دوزی بلوچی یکی از هنرهای ارزشمندی است که در استان سیستان و بلوچستان از گذشته تا کنون با ذوق و خلاقیت زنان و دختران رواج داشته است و ریشه در تاریخ دارد. یافته‌های شهر سوخته شاهدی بر پیشینه غنی پارچه‌بافی و به کارگیری تزئینات روی آن در سرزمین بلوچستان است. «مواد ارگانیکی مانند پارچه‌ها، حصیرها، قطعات گوناگون طناب، الیاف خام، ادوات و ابزار تولید پارچه‌های بدست آمده از کاوش‌های شهر سوخته، قدمتی پنج‌هزار ساله دارند که تاریخ آن‌ها به هزاره سوم قبل از میلاد باز می‌گردد.» (سید سجادی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۲). پارچه‌های بدست آمده از این کاوش‌ها از تنوع تکنیکی بافت و رنگ برخوردارند و اکثراً از پشم گوسفند و کرک بافته شده‌اند و بیشتر، تزئیناتی روی آن‌ها بکار رفته است. در این باره سید سجادی معتقد است، تزئینات بکار رفته در پارچه‌های بدست آمده از شهر سوخته به خوبی و کاملاً با

حفظ ارزش‌های زیبایی شناسانه لحاظ شده‌اند که همگی حاکی از ارزش‌گذاری موازین و رعایت شاخصه‌های زیبایی‌شناسی در بافت آن‌ها با توجه به کاربردهای آن است. همچنین در جایی دیگر، بخشی از تزئینات به کار رفته روی پارچه‌ها را متأثر از تزئینات سفال‌ها می‌داند (سید سجادی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۰).

طرح‌های سوزن‌دوزی بلوچ که دارای اصالت است در مناطق جنوبی بلوچستان دارای نقوش پرکارتر و رنگ‌های شاد و زنده است و مناطق شمالی و شرقی بلوچستان نقوش ساده و رنگ‌های ملایم‌تری دارند (کرباسچی، ۱۳۷۳، ص ۹۵). نقوش سوزن‌دوزی بلوچ از تنوع گسترده‌ای برخوردار است و با الهام از طبیعت و ذهن خلاق زنان بلوچ صورت اشکالی هندسی مطرح می‌شود. «طرح، جنس و رنگ پوشاک زنان و مردان سیستانی و بلوچ هماهنگی کاملی با طبیعت اطراف و محیط دارد.» (شه‌بخش، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰). نقوش سوزن‌دوزی بلوچ از ترکیب خطوط در قالب فرم‌های هندسی به وجود می‌آید. تنوع گسترده نقوش سوزن‌دوزی بلوچ از ذهن خلاق هنرمندی سرچشمه می‌گیرد که با انتخاب قالب هندسی نقوش، همواره بیانی انتزاعی را بر واقع‌گرایی صرف ترجیح داده است. در این میان، با دسته‌بندی نقوش سوزن‌دوزی بلوچ به دو گروه؛ نقوش ساده و نقوش ترکیبی سعی شده است تا زمینه برای سهولت مطالعه نقوش فراهم شود. در ادامه مبحث، با گزینش داده‌ها از میان نمونه‌های مشابه، نقوشی تشریح داده می‌شود که بیشترین کاربرد را در سوزن‌دوزی معاصر بلوچ دارد.

فیلیس اکرم<sup>۱</sup> مورخ آمریکائی آثار هنری ایران با بررسی دقیق خود نشان می‌دهد که سوزن‌دوزی یا گلدوزی بر سه گونه است: «نخست گونه‌ای که زمینه‌ی اساسی بافت را سراسر از بخیه می‌پوشاند تا مانند تقلیدی از پارچه را بنماید و بدینسان زمینه‌ی تازه‌ای از رنگ و نقش بوجود می‌آورند. شیوه‌ی دوم مانند زیبایی است که در آن زمینه گویی همکار و همبازی نقش‌هایی است که به رویش دوخته می‌شود؛ بیشتر گلدوزی‌ها و سوزن‌دوزی‌های ایرانی امروزه از همین گونه است. گونه‌ی سوم، سوزن‌دوزی با خالص‌ترین شکل است که باید آن را نمودار بالاترین پایه‌ی پیشرفت این هنر دانست.» (طلاقی و احراری، ۱۳۹۲) «سوزن‌دوزی یکی از رودوزی‌های منحصر به فرد کشور به حساب می‌آید، هنری برخوردار از ظرافت دوخت و تنوع رنگ که بیانگر ذوق، سلیقه، سنت و هنر منطقه‌ی بلوچستان است. سوزن‌دوزی با زندگی روزمره‌ی زنان بلوچستان آمیخته است و هر دختری به موازات آموزش اصول زندگی، سوزن‌دوزی را نیز فرامی‌گیرد، با نقوشی هندسی (گل‌ها، بوته‌ها و ترکیب بدیع رنگ‌ها) که جهانی خیال انگیز را به نمایش می‌گذارد.



تصویر ۹: لباس سوزن‌دوزی شده زنان بلوچ (یاوری، ۱۳۸۵)



تصویر ۸: نمونه دوخت ظریف و پرکار سوزن‌دوزی بلوچ (یاوری، ۱۳۸۵)

تمامی زنان بلوچ چه آنها که در ایران و در استان سیستان و بلوچستان زندگی می‌نمایند و چه آنها که در پاکستان، افغانستان و یا در دیگر نقاط دنیا سکنی گزیده‌اند، چه فقیر و چه غنی از سوزن‌دوزی برای تزئین لباس‌هایشان استفاده می‌نمایند. سوزن‌دوزی بلوچستان، هنری گرانقدر است که از آنها به عنوان نور چشم زنان بلوچ یا سند هویت، موجودیت و پشتوانه‌ی زنان بلوچ نام برده می‌شود.» (طلاقی و احراری، ۱۳۹۲).

در حال حاضر در تمام بلوچستان زنان سوزن‌دوز بدین هنر مشغول می‌باشند. از جمله‌ی عمده‌ترین مراکز سوزن‌دوزی استان می‌توان به مناطق ذیل اشاره نمود:

- شهرستان ایرانشهر شامل: اسپکه<sup>۲</sup>، هریدک<sup>۳</sup>، قاسم آباد<sup>۴</sup>، بمپور<sup>۵</sup>، نکوچ<sup>۶</sup>
- شهرستان نیک شهر شامل: کوپچ<sup>۷</sup>، پیپ<sup>۸</sup>، مته سنگ<sup>۹</sup>، چانف<sup>۱۰</sup>، مهنت<sup>۱۱</sup>
- شهرستان خاش شامل: ایرندگان<sup>۱۲</sup>، مارندگان<sup>۱۳</sup>، اسماعیل آباد<sup>۱</sup>

- 1 . Phyllis Ackerman
- 2 . Espake
- 3 . Haridok
- 4 . Gāsemābād
- 5 . Bombur
- 6 . Nekohč
- 7 . Kopč
- 8 . Pēp
- 9 . Moteseng
- 10 . chanef
- 11 . Mehnat
- 12 . Irandegān
- 13 . Marandegān



## ۴- وجوه افتراق و اشتراک نقوش سفالینه‌های شهر سوخته با نقوش سوزن‌دوزی بلوچ

در میان نقوش سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچ تشابهاتی به چشم می‌خورد که بی‌تأثیر از فرهنگ باورها، عقاید و طبیعت مشترک میان هنرمندان خالق این نقش‌ها نیست. نقوش ساده و ترکیبی سفالینه‌ها و سوزن‌دوزی بلوچ با بهره‌گیری از واحدهایی هندسی چون دایره، مربع، مثلث و لوزی در پاره‌ای از نقش‌ها ترکیب خطوط با یکدیگر، بازتاب باورها، عقاید، ذهنیت و طبیعتی است که قوم بلوچ در آن زندگی می‌کند. توجه به الگوی شکل‌دهنده نقش‌ها در سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچ ضرورت دارد (جدول ۱). این امر حتی در نام‌گذاری عامیانه نقوش این دو هنر بلوچ نیز دیده می‌شود.

### ۴-۱- وجوه اشتراک نقوش سفالینه‌های شهر سوخته با نقوش سوزن‌دوزی بلوچ

ساختار مشابه در شکل‌گیری نقوش میان سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچ از وجوه مشترک این دو هنر است. هر دوی این هنرها توسط زنان هنرمند بلوچ نقش‌آفرینی می‌شود که از طبیعت و سرزمینی مشترک برخوردارند. این امر می‌تواند در شکل‌گیری نقوش مشترک روی آثارشان تأثیرگذار باشد. اکثر نقوش ساده سفالینه‌های شهر سوخته بر اساس قاعده تکرار واحدهای هندسی دایره و لوزی شکل می‌گیرد این قاعده در نقوش گیلو، تکوک، کبل، چوتل و کونرک دیده می‌شود. بیشتر نقوش سوزن‌دوزی بلوچ نیز مبتنی بر قاعده تکرار نقش مایه‌ای هندسی شکل می‌گیرد مانند چشمه ماهی، چشم سرمه‌ای، چوتل و گور چم. ساختار مثلثی شکل در دو وضعیت مختلف با مثلث راس رو به بالا و مثلثی، با رأس رو به پایین نیز در میان نقوش به کار رفته در سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچی از جمله وجوه مشترک نقوش این دو هنر قوم بلوچ است.

از جمله وجوه مشترک دیگر نقوش سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچ، قرینه‌سازی اغلب نقوش بر محوریت نقطه‌ای مرکزی است که ساختاری چلیپایی شکل به خود می‌گیرد و این امر مبتنی بر قاعده مشترک میان نقوش سوزن‌دوزی و سفال شهر سوخته است که بر قاعده، ساختار مشترک و تفاوت در اجزاء شکل‌دهنده نقشه استوار است. بر این اساس، همواره تنوع بی‌شمار نقش‌هایی در سوزن‌دوزی بلوچ و سفالینه‌های شهر سوخته دیده می‌شود که اگرچه به ظاهر شبیه یکدیگراند، اما هر کدام کاربرد خاص خود را دارند. ذهن پویا و خلاق و هنرمند بلوچ در جایی بر اساس ساختاری چلیپایی شکل نقشی مانند کونرک گله هوشگ، سفالینه‌های شهر سوخته را می‌سازد که اگرچه شبیه نقوش چلیپایی شکل سوزن‌دوزی بلوچ است لیکن بیانی متفاوت و مختص به خود را دارد. مشاهده نقوش سوزن‌دوزی بلوچی نیز که مبتنی بر همین ساختار شکل گرفته است، تنوع و نقش‌آفرینی گسترده زنان بلوچ را در این هنر نشان می‌دهد. نقش‌هایی مانند اشک عروس، تلوموسم، مُرگ-چورگ، پلپوار، منده‌بلو و کتادپادک با تغییراتی جزئی و خلاقانه در ساختار مشترکشان، بیان بصری متفاوتی از یکدیگر دارند و هر یک دارای کاربرد خاص خویش هستند.

بهره‌گیری هوشمندانه هنرمند بلوچ از عناصری بصری چون ریتم، حرکت، نظم، تکرار، تقارن و تعادل، منجر به خلق نقوشی می‌شود که نه تنها خسته کننده نیست بلکه دارای پویایی و انسجام بصری در نقش‌های این دو گونه شده است. همچنین به نوعی وحدت‌آفرینی را در میان تکرار نقش‌های بی‌شمار سوزن‌دوزی بلوچ و سفالینه‌های شهر سوخته ایجاد می‌کند.

با توجه به ارائه نقوش در جدول ۱ می‌توان پی‌برد، استفاده از خطوط شکسته زاویه‌دار در ساختار اغلب نقوش سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچ در کنار فرم‌های منحنی و دایره‌ای شکل نقوش این دو هنر بیان بصری دل‌نشینی را ایجاد می‌کند. این امر خود دانش بصری هنرمند بلوچ را می‌رساند که بیشتر به صورت تجربی و شهودی حاصل شده است. در همین راستا و با در نظر گرفتن بعد زیبایی‌شناسی نقش‌ها، هنرمند تلاش دارد برای بهتر جلوه دادن نقوش مدنظرش، قسمت‌هایی از لباس یا پارچه را برای سوزن‌دوزی انتخاب کند که بیشترین نمایش را دارد. این مسئله درباره‌ی نقوش سفال شهر سوخته نیز وجود دارد و سفالگر بیشتر در نیمه بالایی ظروف و جاهایی که بیشترین دید را دارند، نقش‌اندازی می‌کند. در این میان فضاهای منفی و مثبت شکل‌گرفته، به زیبایی بصری نقوش کمک کرده است.

سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچ اغلب دارای نقوش هندسی هستند و در قالب اشکالی انتزاعی، بیشتر بیانی نمادین دارند. بر این اساس، زبان بصری مشترکی ایجاد می‌شود که قشر وسیعی به واسطه این زبان مشترک و درکی که از معانی آن دارند، از چرخه ارتباطی این معانی بهره می‌برند. بدین گونه است که زنان هنرمند بلوچ، بی‌واسطه این نقش‌ها را در قالب اشکالی هندسی با ساختاری مشترک، روی سفالینه‌ها و سوزن‌دوزی‌های خویش مطرح می‌کنند. از آنجاکه خالق این نقوش زنان هنرمند بلوچ هستند، نقش‌مایه‌ای مانند دایره و تکرار آن روی سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچ می‌تواند متأثر از روان زنانه‌ی هنرمند خالق

1. Esmail ābād
2. Gošt
3. Sōrān
4. Jālk
5. Kalegān

آن باشد. از این رو، معناهایی چون زایش و تکرار در بیان این نقوش متحمل است. شایان یادآوری است که در جدول ۲، بخشی از نقوش در کنار یکدیگر ارائه شده است که می‌تواند شباهت این نقوش را از لحاظ ساختاری نشان دهد. ذکر این نکته ضرورت دارد که این نقوش می‌تواند معادل‌های دیگری هم داشته باشد لیکن آنچه به این‌جا آورده شده تنها، نمونه‌ای از تشابهات را نشان می‌دهد.

#### ۲-۴- وجوه افتراق نقوش سفالینه‌های شهر سوخته با نقوش سوزن‌دوزی بلوچ

در میان نقوش مشترک سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچی، نقش مایه دایره‌ای بیشتر روی سفالینه‌های شهر سوخته دیده می‌شود. در مقابل، فرم‌های زاویه‌دار و خطوط شکسته و زیگزاگی بیشتر در نقش‌های سوزن‌دوزی بلوچ به نمایش گذاشته می‌شوند البته فرایند نقش‌اندازی و در واقع سوزن‌دوزی روی منسوجات دشواری‌ها و محدودیت‌های خاص خودش را دارد که در مقایسه با آن، هنرمند سفالگر آزادی عمل بیشتری در نقش انداختن روی سفالینه‌هایش دارد از سویی نباید از به کارگیری عنصر بصری رنگ در سوزن‌دوزی بلوچ غافل شد چراکه در کنار فرم‌ها و نقش‌های متنوع سوزن‌دوزی بلوچ نقش مهمی در انتقال مفاهیم و معانی مدنظر هنرمند بلوچ دارد. در سفالینه‌های شهر سوخته این امر محدود به رنگ سیاه می‌شود که بر زمینه قرمز رنگ سفالینه‌ها به نمایش گذاشته می‌شود به نوعی می‌توان گفت زیبایی‌شناسی نقوش در سفالینه‌های شهر سوخته به فرم نقوش خلاصه می‌شود در حالی که در سوزن‌دوزی بلوچ، رنگ و فرم در کنار یکدیگر بعد زیبایی‌شناسی را کامل می‌کند.

جدول ۱: مقایسه تطبیقی نقوش ساده و ترکیبی در سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچ (نگارنده)<sup>۱</sup>

نقوش سفال شهر سوخته		نقوش سوزن‌دوزی بلوچ		تطبیق نمونه‌ها											
نام نقش	تصویر نقش	نام نقش	تصویر نقش	انواع نقوش		الگوی نقوش									
				ساده	ترکیبی	کلی	خطی	نقطه‌ای	خطی-نقطه‌ای	خطی-نقطه‌ای	خطی-نقطه‌ای	خطی-نقطه‌ای	خطی-نقطه‌ای	خطی-نقطه‌ای	خطی-نقطه‌ای
				۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲
کوئزک		گل پنتاس			*										
		گل تنک			*										
		گل شیدا			*										
کوئزک		چونل		*											
کبل					*										
گیلو		چشم سرمه‌ای		*											
گله هوشک		گورچم		*											
چونل		چشم ماهی		*											
نیکو		گورچم		*											

در تطبیق نمونه‌ها، الگوها و انواع نقوش به دو دسته تقسیم شده‌اند که: ۱ (نقوش سفال شهر سوخته) و ۲ (نقوش سوزن‌دوزی بلوچ) می‌باشد.



ادامه جدول ۱: مقایسه تطبیقی نقوش ساده و ترکیبی در سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن دوزی بلوچ (نگارنده)<sup>۱</sup>

تطبیق نمونه‌ها												نقوش سوزن دوزی بلوچ		نقوش سفال شهر سوخته	
انواع نقوش				الگوی نقوش								نام نقش	تصویر نقش	تصویر نقش	نام نقش
تزیینی		ساده		مربع		مستطیل		مخمس		چهارگوش					
۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲
	*											اشک عروس			
		*			*							تلو موسم			
			*								*	مرگ جورگ			کونزک گلده هوشک
					*							بلیوار			
					*							مند بیلو			
					*						*	کنار بادک			
	*		*		*		*					سبزو			
	*		*		*		*					تیک			
	*	*	*		*		*					گره هل			کونزک
		*	*		*		*					—			سزک
		*	*		*		*				*	دز			تکوک گردین (قفل)
		*	*		*		*				*				گیلوی گردین (قفل)

در تطبیق نمونه‌ها، الگوها و انواع نقوش به دو دسته تقسیم شده‌اند که: ۱ (نقوش سفال شهر سوخته) و ۲ (نقوش سوزن دوزی بلوچ) می‌باشد.

براساس آنچه تاکنون گفته شده است در این فصل به جمع‌بندی نتایج پژوهش می‌پردازیم. از آنجایی که نقش نگاره‌های سفال‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی‌های بلوچ در یک بستر فرهنگی، قومی مشترک به دست زنان و دختران شکل گرفته و بخش جدایی‌ناپذیری در هنر آنان محسوب می‌شوند. سعی شده است که تأثیرپذیری نقوش سوزن‌دوزی‌ها از نقوش سفال‌های شهر سوخته بررسی شده و ارتباط بین آن‌ها مشخص گردد. در این راستا با طرح فرضیه‌ای وجود تأثیر میان این دو هنر، وجوه اشتراک و وجوه افتراق آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. و برای رسیدن به نتایج بهتر در مطالعه هر دو هنر یعنی سفال و سوزن‌دوزی‌ها، نقوش به دو دسته‌ی ساده و ترکیبی تقسیم شده‌اند در ضمن گزینش داده‌ها، از میان نمونه‌های مشابه، نقوش سوزن‌دوزی‌ها و سفال‌ها با یکدیگر تطبیق داده شده‌اند و با توجه به ساختار، خواستگاه و منبع الهام نقوش و معانی درخور توجه آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در واقع در این تحقیق سعی شده است که نه تنها نقوش سفال‌ها و سوزن‌دوزی‌ها بلکه فرم، رنگ و ریتم‌های مشابه در این دو هنر نیز مورد توجه قرار گیرد.

بررسی‌های انجام شده نشان داد که اگرچه در سفال‌ها و سوزن‌دوزی‌ها از نقش‌های مختلفی مثل نقوش هندسی، نقوش گیاهی و جانوری استفاده شده است اما اغلب این طرح‌ها به صورت هندسی اجرا شده‌اند. یعنی واحدهای هندسی دایره، مربع، مثلث و لوزی، خط و ترکیب این واحدهای هندسی هم در سفالها و هم در سوزن‌دوزی‌ها بیشترین نقوش را تشکیل می‌دهند. به عبارتی می‌توان گفت: اگرچه طبیعت یکی از موضوعاتی است که هم در نقوش سفال‌ها و هم در سوزن‌دوزی‌ها بکار رفته است. اما نقوش در هر دو هنر براساس قاعده تکرار واحدهای هندسی کوچک به ویژه دایره و لوزی شکل گرفته‌اند که این قاعده را می‌توان در نقوش گیلو، تکوک، کبل، چوتل و کونرک در سفال‌ها و چشم ماهی، چشم سرمه‌ای، چوتل و گورچم در سوزن‌دوزی‌ها دید. همچنین ساختار مثلثی، رأس‌های رو به بالا یا پایین در هر دو هنر دیده می‌شود.

اشتراک دیگر در این رابطه قرینه‌سازی با محوریت نقطه‌ی مرکزی است که نوعی شکل چلیپایی به نقش می‌دهد و در هر دو هنر باعث پویایی، زیبایی و ... می‌شود هر چند که گاه اجزای تشکیل دهنده آن متفاوت هستند و این تفاوت‌ها بازتاب تراوش‌های ذهن خلاق هنرمند بلوچ هستند. برای نمونه می‌توان نقوش کونرک، گله هوشک سفال‌های شهر سوخته را با نقوش چلیپایی سوزن‌دوزی‌ها مقایسه کرد که هر چند شکل چلیپایی دارند اما ویژگیهای متفاوت و مختص خود را نیز دارند.

استفاده هوشمندانه از عناصر بصری مثل ریتم، حرکت، نظم، تکرار، تقارن و تعادل در هر دو هنر موجب پویایی و زیبایی بصری می‌شود و نوعی وحدت را در میان نقوش این دو هنر نشان می‌دهد. استفاده از خطوط شکسته، در کنار فرم‌های منحنی و دایره در سفال‌ها و سوزن‌دوزی‌ها نوعی زیبایی بصری را ایجاد می‌کند. به علاوه در هر دو مورد هنرمند سعی کرده است که با انتخاب مکانی با بهترین دید به بهترین شکل ممکن هنر خود را به نمایش بگذارد و این امر در سوزن‌دوزی‌ها شامل سر آستین‌ها، سینه و دامن لباس و در سفال‌ها شامل نیمه بالایی ظرفها می‌شود. استفاده از اشکال انتزاعی و نمادین نیز در هر دو هنر دیده می‌شود. اما تفاوت‌هایی نیز در نقوش این دو هنر دیده می‌شود از جمله استفاده‌ی بیشتر از نقوش دایره‌ای و منحنی در سفال‌ها و خطوط زیگزاگ و زاویه دار در سوزن‌دوزی‌ها است که شاید دلیل آن سختی دوخت منحنی نسبت به نقاشی آن باشد. به علاوه در سوزن‌دوزی‌ها از رنگ‌های بسیار متنوعی استفاده شده است که این امر در سفالها محدود به استفاده از رنگ سیاه با زمینه سفید است. به عبارتی در سفال‌ها فقط از فرم و نقش برای ایجاد زیبایی استفاده شده است، در حالی که در سوزن‌دوزی‌ها رنگ و فرم در کنار هم بکار رفته‌اند. در پایان می‌توان گفت که هنرمند بلوچ اگرچه در وهله نخست هنرش را برای رفع نیازهای زندگی خویش تولید می‌کند اما از طریق نقوشی که بر روی دست ساخته‌هایش به کار می‌برد، افکار و آرزوهای خود را منعکس می‌کند که در ارتباط با واقعیات و زندگی او و باورهای او هستند.

## ۶- نتیجه گیری

مقایسه نقوش سوزن‌دوزی بلوچ با نقوش سفالینه‌های شهر سوخته نشان می‌دهد، میان این نقوش، ارتباط نزدیکی وجود دارد که علاوه بر تشابهاتی که از لحاظ ساختاری با یکدیگر دارند، در بسیاری موارد دارای حوزه‌های معنایی مشترکی نیز هستند. بر این اساس، ویژگی‌های مشترک زیادی در نقوش این دو هنر قوم بلوچ مشاهده می‌شود که بی‌تأثیر از طبیعت، فرهنگ، عقاید و باورهای مشترک در سرزمین بلوچستان ایران نیست. همچنین جنسیت زنان هنرمند بلوچ در این نقوش تأثیرگذار بوده است. وجود فرم‌های دایره و منحنی، توجه به ریزه‌کاری‌ها و جزئیات در این دو هنر، می‌تواند متأثر از روان زنان هنرمند بلوچ باشد. ضمن این که مشاهده ساختار مشابه در نقوش سفالینه‌های شهر سوخته به عنوان بخشی از بافت فرهنگی قوم بلوچ، در مقایسه با سوزن‌دوزی بلوچ نیز می‌تواند به این نکته اشاره نماید. زمینه‌های فرهنگی، باورها و طبیعت مشترک قوم بلوچ، هنرمند را بر آن داشته تا با بیانی انتزاعی و نمادین در قالب فرم‌های هندسی به خلق نقوشی بپردازند که اگرچه نام‌های متفاوت در سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی به خود می‌گیرد اما به شدت از لحاظ ساختاری و فرمی به یکدیگر نزدیک می‌شود. فرم‌های مثلث، لوزی، دایره، مربع و خطوط زاویه‌دار در هر دو هنر، بیشترین حضور را دارند. کیفیت‌های بصری چون ریتم، تکرار، تقارن، تعادل و تمرکز گرایی در نقش، بر پویایی و زنده بودن نقوش سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچ می‌افزاید. انتخاب فرم‌های هندسی همانند لوزی، مثلث و

دایره و بیان انتزاعی آن به جای واقع‌گرایی صرف برای به تصویر کشیدن در نقوش مدنظر هنرمند بلوچ، بر این نکته تأکید می‌کند: اگرچه هنرمند سنتی طبیعت را منبع الهام نقوش خود قرار می‌دهد اما صرفاً خود را به تقلید از طبیعت محدود نمی‌کند و در این میان، باورها و اعتقادات هنرمند بلوچ نیز سهمی مهم را در انتخاب فرم‌های مختلف در جهت کارکرد موردنظر او دارند. بر این اساس، انتخاب فرم‌های مثلث و لوزی می‌تواند در ارتباط با راندن نیروهای متخاصم و ارواح خبیثه مطرح شود که در نقوش سفالینه‌های شهر سوخته و سوزن‌دوزی بلوچی فراوان به کار می‌رود. همچنین نگاهی به جدول ۱، مقایسه نقوش سوزن‌دوزی بلوچ و سفالینه‌های شهر سوخته نشان می‌دهد، خاستگاه و الگوی نقوش در هر دو هنر را می‌توان طبیعت بلوچستان، اعضای بدن انسان، حیوانات، اشیاء و ذهنیت و باورهای قوم بلوچ در نظر گرفت. در نقوش سفالینه‌های شهر سوخته نقوش جانوری در مقایسه با سایر نقوش کم و کمتر به کار گرفته می‌شود. افزون بر این‌ها، عنصر رنگ در کنار فرم در سوزن‌دوزی بلوچ کمک شایانی به تقویت بعد زیبایی نقوش و بیان مفاهیم مدنظر هنرمند بلوچ می‌کند که در سفالینه‌های شهر سوخته این امر به یک‌رنگ محدود می‌شود. وجود مشترکات بسیار در هنر سوزن‌دوزی بلوچ و نقوش سفالینه‌های شهر سوخته به پیدایش وجه غالب در هنر بلوچ منجر می‌شود که خود تقویت ارزش‌های فرهنگی و هویتی قوم بلوچ را بدنبال خواهد داشت. در ادامه پیشنهاد می‌شود که جنبه تأثیرپذیری هنرهای معاصر مناطق مختلف ایران از هنرهای باستانی این مناطق مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع

۱. بهمنی، پردیس (۱۳۹۵)، سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران، تهران، انتشارات پیام نور
۲. بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۴)، هنر و فرهنگ بلوچ، فصلنامه‌ی هنر، شماره ۱۰
۳. پاکباز، رویین (۱۳۷۸)، دایره المعارف هنر، تهران، انتشارات فرهنگ هنر
۴. توی، موریتزیو (۱۳۸۵)، پیش از تاریخ سیستان، ترجمه رضا مهرآفریت، مشهد، انتشارات پاژ
۵. جهان تیغ، شرف (۱۳۸۱)، سوزن دوزی بلوچ؛ عواطف در نخ‌های رنگی، مجله رشد آموزش هنر، شماره ۲
۶. حسین آبادی، زهرا و فلاح‌مهنه، مهدی (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی نقوش فرش سیستان با نقوش سفالینه‌های شهر سوخته، فصلنامه علمی - پژوهشی هنرهای تجسمی نقش مایه، سال چهارم، شماره ۷
۷. حلیمی، محمدحسین (۱۳۷۶)، اصول و مبانی هنرهای تجسمی، تهران، انتشارات احیاء کتاب
۸. خاموشی، زهرا (۱۳۸۷)، تحول کاربرد تزئین در سوزن دوزی بلوچ و ترکمن، فصلنامه هنر اسلامی، شماره ۹
۹. دکالی، زیور (۱۳۸۵)، هنر سوزن‌دوزی زنان بلوچ، فصلنامه فرهنگ مردم، شماره ۱۷
۱۰. زمردیان، محمدجعفر و کرمانی، محسن (۱۳۶۷)، بحثی پیرامون ژئومورفولوژی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سوم، شماره ۹
۱۱. سید سجادی، سید منصور (۱۳۷۴)، نگاهی به فرهنگ‌های ناشناخته نیمه شرقی فلات ایران: شهر سوخته، نشریه فروهر، شماره ۲۷۶
۱۲. سید سجادی، سید منصور (۱۳۸۳)، باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی
۱۳. سید سجادی، سید منصور (۱۳۸۵)، شهر سوخته آزمایشگاهی بزرگ در بیابانی کوچک، زابل، انتشارات میراث فرهنگی و گردشگری شهر سوخته
۱۴. سید سجادی، سید منصور (۱۳۸۸)، هشت گفتار، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی
۱۵. سید سجادی، سید منصور (۱۳۹۰)، نخستین شهرهای فلات ایران، تهران، انتشارات سمت
۱۶. سید سجادی، سید منصور و فروزانفر، فرخ (۱۳۸۰)، گزارش‌های شهر سوخته، معاونت فرهنگی و ارتباطات سازمان میراث فرهنگی کشور
۱۷. سید سجادی، سید منصور؛ هلالی اصفهانی، هاله و کنستانینی، لورنزو (۱۳۸۸)، پارچه‌های شهر سوخته و فرهنگ پوششی آن، زاهدان، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری سیستان و بلوچستان
۱۸. شرفی، حسین (۱۳۹۲)، بررسی بصری نقوش سفالینه‌های یافت شده در شهر سوخته (زابل)، پایان نامه کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی نبی اکرم (ص)
۱۹. شه‌بخش، محمدحسین (۱۳۸۴)، نقوش تزئینی بلوچ، مجله‌ی کتاب ماه هنر، شماره ۸۹ و ۹۰
۲۰. طلاقی، امین و احراری، عبدالله (۱۳۹۲)، سوزن دوزی سیستان و بلوچستان، پایگاه علمی پژوهشی فرش ایران
۲۱. کامبخش فرد، سیف اله (۱۳۸۰)، سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، تهران، انتشارات ققنوس
۲۲. کرباسچی، مسعود (۱۳۷۳)، بررسی امکانات توسعه صنایع دستی در استان سیستان و بلوچستان، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه هنر
۲۳. کوپر، جی‌سی (۱۳۸۶)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، انتشارات فرهاد
۲۴. مرادی، حسین (۱۳۸۸)، لیوان‌های گلابی شکل شهر سوخته، تهران، انتشارات میراث فرهنگی

۲۵. ناصح، ذبیح‌الله (۱۳۴۴)، بلوچستان، تهران، انتشارات آگاه
۲۶. نرماشیری، ابوبکر (۱۳۹۴). بررسی عناصر نمادین هندسی در هنر سوزن‌دوزی بلوچ، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان
۲۷. یآوری، حسین (۱۳۸۵)، مختصری درباره رودوزی‌ها در ایران و جهان، مجله رشد آموزش هنر، شماره ۶
۲۸. Biscione. R., 1973, "Dynamics of an early south asian urbanization: the first period of Shahr-i Sokhta and its connections with Southern Turkmenia" in: South Asian Archaeology. Cambridge university. pp. 105-118
۲۹. Stein, S. A, Archaeological Reconnaissances in North -western India and South-eastern Iran, Macmillan and Co., Limited St. Martins Street, London, 1937. p: 407

## Abstract

Pottery as one of the most important key cultural materials in every ancient site is abundant in the burnt city to the point that in some places the soil is difficult to see and it is not possible to walk without stepping on the pottery. The abundance of pottery indicates the importance and application of this cultural data. For this reason, the subject of pottery and its studies are of special importance. On the other hand, needlework is one of the original and important arts of Sistan and Baluchestan. Let's examine the pottery patterns of the burnt city. In the present study, needlework patterns have been classified based on simple and combined patterns due to the breadth of the design and also for ease of study. In addition, by selecting the data from similar samples, Baluch needlework patterns with pottery patterns of the burnt city have been studied and matched. In the meantime, according to the structure, origin and source of inspiration of the designs, the meanings worthy of their attention were also examined, and the question was raised what effect did the pottery designs of the burnt city have on Baluch needlework? In response to this question, it can be said: According to the motifs used in the art of needlework, which is rooted in the local culture and inspired by the nature of the Balochistan region; These motifs originate from the pottery motifs of the burnt city. There is also a visual connection between the designs on the pottery of the burnt city and the appearance of the Baluch needlework. In other words, many of the traditional Baloch needlework motifs have originated from the pottery motifs of the burnt city due to their original designs, novel and traditional colors, desirable technical quality and special originality.

**Keywords:** forms and motifs, burnt city pottery, Baluch needlework